



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونه السنه تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۹۴

موضوع جزئی: مقام دوم: موضوع خمس در مانحن فیه - بررسی تفصیلات مصادف با: ۲۵ ربیع الاول ۱۴۳۷

جلسه: ۴۳

سال ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در بحث از تفصیل بین میراث محتسب و غیر محتسب عرض کردیم ادله‌ای بر این تفصیل اقامه شده است، چهار دلیل را دیروز ذکر کرده و مورد بررسی قرار دادیم؛ دو دلیل دیگر باقی مانده که آن را هم باید بررسی کنیم تا این بحث تمام شود. نکته‌ای که لازم به ذکر است این است که، عمده ادله‌ای که دیروز بیان شد بر عدم خمس در مطلق ارث اقامه شده است؛ مانند دلیل دوم و دلیل سوم.

این دو دلیل در واقع یک ضلع تفصیل را اثبات می‌کردند، یعنی اثبات می‌کردند که در ارث محتسب خمس نیست، ولی اینکه اثبات کنند در ارث غیر محتسب خمس است، چنین مطلبی از آن دو دلیل استفاده نمی‌شود، این یک اشکال کلی است که به دلیل دوم و سوم وارد است.

دلیل پنجم: روایت علی بن مهزیار

علی ای حال به غیر از آنچه که ذکر شد یک دلیل مهم دیگری که در این مسئله وجود دارد صحیحه علی بن مهزیار است، قبلاً استناد به چند فقره از صحیحه علی بن مهزیار که روایتی طولانی بود، ذکر شد و نهایتاً وجوب اصل خمس و برخی عدم خمس در جایزه و هدیه را استفاده کردند. اما در یک بخش این روایت به مسئله ارث هم پرداخته است، در روایت به دنبال «والجایزه من الانسان للانسان التي لها الخطر» این عبارت هم ذکر شده «والمیراث الذی لا یحتسب من غیر أب ولا ابن».

طبق این روایت میراثی که از فوائد محسوب می‌شود در واقع عطف شده به جایزه‌ای که «لها خطر» اینها را جزء فوائد و غنائم دانسته‌اند، که خمس به آنها متعلق شده است. پس یکی جایزه با ارزش است و هدیه‌ای که دارای قیمت است و دیگری میراثی که «من غیر احتساب» نصیب شخص شود. لذا معلوم می‌شود واجب بوده ولی آن سال تحلیل شده است و اگر بعد از آن تحلیل ما شک کنیم که آیا خمس ارث غیر محتسب واجب است یا نه، استصحاب می‌کنیم بقاء وجوب خمس غیر محتسب را، با استصحاب هم می‌توانیم بقاء وجوب خمس را ثابت کنیم. این در صورتی است که ما اساساً این موارد را داخل دائره تحلیل بدانیم ولی اگر اینها را خارج از دائره تحلیل بدانیم که مطلب روشن است.

بررسی دلیل پنجم

عمده‌ترین دلیلی که قائلین به تفصیل ذکر کرده‌اند همین است، به غیر از این دلیل مهمی ندارند، البته آیه می‌تواند عمومیت نسبت به ما نحن فیه داشته باشد، «ماغنمتم» عنوانی است که شامل ارث غیر محتسب می‌شود، اما به غیر از آن مسئله «لو کان لبان» یا اجماع، یا عدم تعرض فقها، اینها هیچکدام دلیل بر این تفصیل نیست، آنها که قائل به تفصیل شده‌اند می‌گویند

مقتضای ادله عدم خمس در مطلق ارث است لکن صحیحه علی بن مهزیار به خصوص خمس را در ارث غیر محتسب ثابت کرده، لذا تفصیل را استفاده می‌کنند و می‌گویند: خمس در ارث نیست مگر به واسطه صحیحه علی بن مهزیار که در ارث غیر محتسب خمس را ثابت می‌کند ولی ما نسبت به ثبوت خمس در ارث غیر محتسب که بحثی نداریم، فوqش این است که اثبات می‌کند خمس را در خصوص ارث غیر محتسب، اما ثبوت خمس در ارث غیر محتسب به معنای نفی خمس در محتسب نیست، تأکید مفصلین بر این فقره از روایت علی بن مهزیار از این جهت است که روایت علی بن مهزیار کأن خمس در باب ارث را محصور می‌کند در غیر محتسب و این به معنای این است که در ارث محتسب خمس نیست.

عرض ما این است که حصر از این روایت استفاده نمی‌شود و لذا دال بر عدم خمس در ارث محتسب نیست، ما همه ادله را مورد بررسی قرار دادیم، ملاحظه فرمودید به مقتضای آیه و روایت و ادله‌ای که در این مقام وجود دارد در تعلق خمس فرقی بین فائده اختیاری و غیر اختیاری نیست، و شامل مطلق ارث می‌شود و در این جهت هم فرقی بین محتسب و غیر محتسب نیست، از این روایت هم حصر خمس در ارث غیر محتسب استفاده نمی‌شود.

دلیل ششم: سیره قطعیه متشرعه

دلیل دیگری که قبلاً در بین ادله به آن اشاره شده ولی مستقلاً هم قابل ذکر است، سیره عملیه قطعیه متشرعه است، اینکه ما می‌بینیم در بین متشرعه هیچگاه این روش نبوده که بر ارث خمس بدهند، نه اعطاء خمس و نه اخذ خمس از ناحیه بزرگان بر ارث نبوده است لذا از آنجا که این سیره قطعیه است و متصل به زمان معصوم هم است، ما می‌توانیم کشف کنیم که ارث در مواردی که محتسب است خمس ندارد، این هم یک دلیلی است که مستقلاً قابل ذکر است، هرچند ما در ضمن دلیل دوم اشاره‌ای به این مسئله داشتیم.

بررسی دلیل ششم

این دلیل هم نمی‌تواند اثبات کند عدم تعلق خمس به ارث محتسب را؛ چون اولین شرط اعتبار سیره متشرعه احراز آن سیره است و سپس اتصال آن الی زمن المعصوم، چه بسا سیره‌ای از سیر مستحدثه باشد، خیلی سیره‌ها بین متشرعه حادث می‌شود، اما مورد تأیید ائمه و شارع نیست، این سیره‌ها مادامی که ریشه آن به شرع برنگردد قابل استناد نیست، ما این سیره عملیه را از الان تا زمان معصوم واقعا نمی‌توانیم احراز کنیم، هرچند فقها فتوا نداده‌اند، اما فقها در مورد هبه و هدیه هم در گذشته فتوا نداده‌اند، در باب هدیه و هبه هم ادعا شده است سیره بر عدم خمس اما آنجا خیلی‌ها این را قبول نکرده‌اند، در باب ارث هم همین طور است و واقع این است که احراز چنین سیره‌ای برای ما مشکل است.

نتیجه بحث

لذا در مجموع به حسب ادله فرقی بین ارث و غیر ارث نیست، هر فائده‌ای که نصیب انسان شود مشمول وجوب خمس است، در ارث هم فرقی بین ارث متوقع و محتسب، و ارث غیر متوقع و محتسب نیست، اما واقع این است که کمتر کسی فتوا به این مسئله داده، فتوا به تفصیل وجود دارد یعنی عده زیادی فتوا داده‌اند به اینکه ارث غیر محسب خمس دارد ولی ارث محتسب خمس ندارد، پس از طرفی ما مواجهیم با ادله، از نظر استدلالی هیچ وجهی برای عدم تعلق خمس به ارث محتسب نیست، اما از آنجا که کمتر کسی به این فتوا داده، مشهور بلکه بالاتر از مشهور عدم خمس در ارث محتسب است

لذا اینجا می‌توانیم در مورد ارث غیر محتسب فتوا بدهیم به وجوب خمس، اما در مورد ارث محتسب احتیاط واجب کنیم، این نهایت چیزی است که در اینجا می‌توان مطرح کرد.

سوال: اگر این چنین است پس وجه تقييد به «الذی لا یحتسب» چه بوده است؟

استاد: سؤال خوبی است. وجه تقييد چه بوده است؟ مثل همان چیزی که در باب جایزه گفتیم، آنجا هم همین بحث را داشتیم «والجایزه التي لها خطر» گفتیم این تقييد آن معنا را نمیرساند ولی در مورد وجه تقييد یک توضیحی دادیم، اینجا وجه تقييد چیست؟ اگر در مورد میراث مقید شده به قید «الذی لا یحتسب من غیر آب و لا ابن»، اگر بنا بر احتراز نبوده پس چرا مقید شده به این قید، وجه تقييد در اینجا چه بوده است؟ سخن ما این است، که اگر ما باشیم و این روایت، این تقييد به هر دلیلی هم باشد، نهایتش این است که با این بیان خمس در خصوص غیر محتسب واجب می‌شود، اما نسبت به محسب دلالتی ندارد بر عدم خمس، اینگونه نیست که بگویید در غیر محتسب خمس است، در محتسب خمس نیست.

سؤال: پس ذکر این قید لغو است؟

استاد: نه، قید لغو نمی‌شود، از باب اینکه اینجا قدر متیقن از فائده و غنیمت این است یعنی فردی از افراد فائده و غنیمت را ذکر کرده مثل جایزه، که اینها هم فائده و غنیمت هستند، گمان نکنید که غنیمت و فائده منحصر در ربح کسب و کار و تجارت است، «أما الفوائد والغنائم فهي ما یغنم المرء» آنچه که او اغتنام می‌کند و بدست می‌آورد، و بعد چند مصداق آن را گفته است، یکی ارث غیر محتسب، این در مقام ذکر مصداق و مثال بوده است.

بنابراین نمی‌توانیم بگوییم لزوماً دارد اثبات می‌کند عدم خمس را در ارثی که محتسب است، دلیل آنها این است که در این روایت ارث تقييد شده و تقييد هم نباید لغو باشد یعنی برای احتراز است و معنایش این است که در ارث محتسب خمس نیست، دلیلی که بخواهد بخصوص این تفصیل را ثابت کند همین است، بقیه ادله یا برای اثبات عدم خمس در مطلق ارث است، یا ادله‌ای است که قوت و اتقان این دلیل را ندارد، لکن به نظر ما این دلیل اثبات نمی‌کند که در ارث محتسب خمس نیست چون انحصار از آن فهمیده نمی‌شود مفهوم برای آن ثابت نیست و ظهور در حصر ندارد. وصف هم اگر برای آن ذکر شده مفهوم ندارد و نمی‌تواند واقعاً مقید آن اطلاقاتی باشد که خمس را در همه فوائد ثابت می‌کند ما اطلاقات و عموماتی داریم که خمس را در همه فوائد و غنائم ثابت می‌کند، اگر در اینجا صدق فائده بکند، قهراً مشمول آن اطلاقات واقع می‌شود.

آنها هم که در باب ارث غیر محتسب می‌گویند خمس دارد فقط به دلیل این روایت می‌گویند وگرنه آنها معتقدند که عنوان فائده بر ارث صدق نمی‌کند آنها به طور کلی می‌گویند مخصوصاً ارث محتسب که متوقع هم است، چون همه می‌دانند، اگر کسی از دنیا برود و وارثی داشته باشد اموال او به وارث می‌رسد، این دیگر اسمش فائده نیست، با همان بیانی که دیروز عرض کردیم، عمده اشکال این است که می‌گویند: ارث مشمول ادله نیست؛ چون صدق عنوان فائده و غنیمت بر آن نمی‌شود ولی اگر می‌بینید ارث غیر محتسب مشمول وجوب خمس شده برای روایت علی بن مهزیار است، ولولا هذه الروایة در ارث غیر محتسب هم می‌گفتیم خمس ثابت نیست.

ما پاسخ دادیم که آن اطلاعات قطعاً شامل ارث هم می‌شود، چون ارث فائده است، در صدق فائده و غنیمت بر ارث جای تردید نیست، پس به نظر ما مطلق ارث به عنوان فائده و غنیمت مشمول ادله وجوب خمس است. روایت علی بن مهزیار هم که اینجا وارد شده این در واقع نفی خمس از ارث محتسب نمی‌کند، بلکه اثبات می‌کند خمس را در غیر محتسب و این منافاتی با آن اطلاعاتی که گفتیم ندارد، این نمیتواند مقید آن اطلاعات شود، این روایت نهایتش این است که مفهوماً می‌خواهد خمس را در ارث محتسب نفی کند، ولی ما آن اطلاعات و عمومات را با مفهومی که اصل آن برای ما ثابت نیست نمی‌توانیم تقیید بزنیم. نمی‌توانیم بگوییم همه آن عمومات که می‌گوید خمس در همه چیز و در هر فائده‌ای ثابت است با مفهوم این روایت تقیید می‌شود و تخصیص می‌خورد و نتیجه‌اش می‌شود «الخمس ثابتٌ فی کلِّ فائدةٍ إلا فی الارث المحتسب»، نمی‌توانیم با این بیان این تفصیل را ثابت کنیم.

نکته

نکته‌ای را در اینجا بعضی از بزرگان متعرض شده‌اند؛ می‌گویند: بطور کلی خمس هم در جایزه خطیره و غیر خطیره و هم ارث محتسب و غیر محتسب، در هر دو ثابت است لکن می‌شود یک فرقی را بین خطیره و غیر خطیره در جایزه گذاشت و همچنین یک فرقی را بین محتسب و غیر محتسب می‌توان گذاشت، از این جهت که، اگر جایزه، خطیره باشد یا ارث غیر محتسب باشد، خمس در آن ثابت است از باب غنیمت نه از باب ریح، بنابراین مؤونه سنه دیگر از آن استثناء نمی‌شود، اما جایزه غیر خطیره و ارث محتسب «یمكن أن یقال» که مؤونه از آن استثناء می‌شود، این نکته مهمی است که ما در بحث از کسر مؤونه سنه از خمس باید بحث کنیم، ملاحظه فرمودید که در باب غوص، در باب معدن، در باب غنیمت جنگی، هیچکدام مؤونه سنه کسر نمی‌شود، فقط هزینه‌ها کم می‌شود، آن هزینه‌هایی که برای بدست آورد غوص و برای بدست آوردن غنیمت جنگی و برای بدست آوردن معدن و کنز و امثال اینها انجام می‌شود آن هزینه‌ها کسر می‌شود ولی بعد از کسر هزینه‌ها اداء خمس واجب می‌شود، اینگونه نیست که تا یکسال بماند و اگر زیادی آمد آنوقت خمس آن داده شود مؤونه سنه در آنجا کسر نمی‌شود.

اما در این بحث، که اصلاً موضوع بحث ما «ما زاد عن مؤونه السنه» است، ما می‌گوییم مطلق فوائد، چه ریح کسب، چه جایزه، چه هدیه، چه ارث، همه متعلق خمس هستند، اگر همه متعلق خمس هستند، فرقی نمی‌کند در جایزه بین خطیره و غیر خطیره، بین ارث محتسب و غیر محتسب، اما آیا در همه اینها مؤونه سنه استثناء می‌شود؟

در اینجا بعضی این تفصیل را مطرح کرده‌اند، که در اصل خمس فرقی بین اینها نیست ولی در نوع خمس فرق است، یعنی ما چه بسا ادعا کنیم در جایزه خطیره و میراث غیر محتسب از باب خمس غنیمت، خمس واجب است و لذا استثناء مؤونه سنه نمی‌شود، اما در غیر اینها، یعنی در جایزه غیر خطیره و ارث محتسب، لعل بگوییم مؤونه سنه کسر می‌شود.

«هذا تمام الكلام فی التفصیل الثانی»

ما از اول گفتیم که سه تفصیل است؛ تفصیل سوم در باب اجاره است ولی بنظر می‌آید که بحث از تفصیل سوم در ضمن بحث از استثنائات مطرح شود، اولی است؛ در حقیقت نمی‌شود اسم آن را تفصیل گذاشت البته این قابلیت را دارد ولی اولی این است که این بحث را در ضمن استثنائات مطرح کنیم.

بحث جلسه آینده: به طور کلی تا اینجا خمس را در مطلق فائده و غنیمت ثابت کردیم، و گفتیم اختصاص به ربح کسب و کار ندارد، لذا فوائد اختیاری و غیر اختیاری، مجانی و قهری، همه را در بر می‌گیرد، جایزه و ارث و هدیه و هبه، همه اینها مشمول خمس هستند، اما یک مواری محل بحث است که آیا اینها استثناء شده‌اند یا نشده‌اند، بعضی قطعاً از این عموم استثناء شده‌اند. ما باید موارد استثناء را بررسی کنیم و وجه و دلیل بر استثناء را هم مورد بررسی قرار دهیم ان شاء الله.

«الحمد لله رب العالمین»